ادامه از صفحه اول

بردن نفت به بورس و گسترش فساد

واقعیت این است که در ایران به دلایل مختلفی که خارج از حوصله و موضوع این بحث است، با وجود تلاش‌های انجام‌شده، اولا همواره چندین و حداقل دو نرخ برای دلار وجود داشته و ثانیا روند قیمت دلار همیشه افزایشی بوده است.

در فضای واقعی و شناخته‌شده کسب‌وکار ایران، گرایش به استفاده از مابه‌التفاوت نرخ ارز، هم می‌تواند فشارهای رانت‌جویانه‌ای را به چنین بورسی تحمیل کند و هم می‌تواند موجب شود ارجحیت درآمدهای رانتی ناشی از استفاده از مابه‌التفاوت نرخ ارز نسبت به دقت در فروش نفت خام به بهترین بازار و به بهترین قیمت برای استفاده بهتر از حاشیه سود، موجب بی‌دقتی در فروش، خراب‌کردن بازار نفت خام ایران برای دستیابی هرچه‌سریع‌تر به ارز حاصله و بازی‌کردن با ارز شود. تجربه‌ای که متأسفانه به‌روشنی درباره پتروشیمی‌های خصوصی‌سازی‌شده که بعد از نفت بیشترین درآمد صادراتی را دارند، در پیش چشمان اقتصاد ما قرار دارد.

ب- چه ضوابطی برای ورود خریداران و تشخیص صلاحیت آنها باید وضع شود؟ آیا در فضای شناخته‌شده و واقعی کسب‌وکار ایران این ضوابط در عمل رعایت خواهد شد؟ یا رانت‌جویان با فشارهای گوناگون خود را تحمیل خواهند کرد؟

ج- محموله‌ها با چه احجامی در بورس عرضه خواهد شد؟ یک محموله حداقلی برای ظرفیت کوچک‌ترین سایز کشتی بر اساس قیمت‌های فعلی نفت (حدود ۷۰ دلار) و با توجه به نرخ رسمی اعلام‌شده برای دلار (چهارهزارو ۲۰۰ تومان) حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. آیا خریداران پول نقد خواهند داد یا ال‌سی ریالی باز خواهند کرد؟ بانک‌ها امکان بازکردن ال‌سی ریالی با این مقادیر را خواهند داشت. به فرض اینکه چنین مواردی طبق ضوابط تحقق یابد، نفت باید علی‌القاعده در جزیره خارک به خریدار بورسی تحویل شود، در این صورت هزینه‌های شرکت نفت برای انتقال و بارگیری چه می‌شود. آیا خریداران بورسی نفت را خودشان در خارک در کشتی‌های ملکی یا استیجاری خود تحویل خواهند گرفت یا خریداران خارجی را خواهند یافت و معرفی خواهند کرد؟ برای بیمه کشتی و بیمه محموله و ... چه خواهند کرد؟ آیا ضوابط شرکت ملی نفت را در مورد خریداران خارجی رعایت خواهند کرد؟ و اگر خریدار خارجی با رعایت تمامی ضوابط شرکت ملی نفت ایران وجود داشته باشد، چه دلیلی دارد که اصولا به خود شرکت ملی نفت مراجعه نکند و با واسطه عمل کند.

د- اگر اختلافاتی در هر یک از این موارد پیش آمد، مرجع رسیدگی کجا خواهد بود؟ آیا نظام قضائی کشور آمادگی و صلاحیت فنی رسیدگی به این‌گونه پرونده‌ها را خواهد داشت. به‌طورخلاصه به نظر نگارنده در شرایط عادی چنانچه ذکر شد، بردن نفت‌خام به بورس نه معنا دارد و نه ارزشی می‌آفریند، اما می‌تواند زمینه‌ای را برای بازشدن باب یک فساد گسترده جدید در کشور فراهم کند، اما آنچه گاهی مطرح می‌شود و اخیرا نیز توسط معاونت محترم رئیس‌جمهور مطرح شد، موضوع استفاده از بورس برای دورزدن تحریم‌هاست. از آنجا که در دور قبلی تحریم‌ها به بهانه دورزدن تحریم‌ها سهمیه‌های نفت‌خام به بعضی از افراد داده شد تا به‌عنوان بخش غیردولتی یا خصوصی بفروشند و آن اقدامات موجب فسادهای عظیمی شد و وجوه آن هم هرگز برنگشت، حالا مطرح می‌شود که این کار می‌تواند در بورس و به‌صورت شفاف عمل شود و از طریق بورس شرکت‌ها یا افرادی غیردولتی این نفت را بخرند و صادر کنند. عجیب است که در این مورد به یک مسئله بسیار ساده توجه نمی‌شود و آن این است که ممنوعیت صادرات که توسط تحریم‌ها تحمیل می‌شود مربوط به نفت‌خام ایران است و تفاوتی نمی‌کند که این نفت توسط چه کسی صادر و فروخته شود. همه دست‌اندرکاران بازار جهانی نفت می‌دانند در ایران غیر از دولت کسی نفت‌خام ندارد. خریداران نفت‌خام ایران تحت فشار هستند که نفت ایران را نخرند، در غیر این صورت تحت تحریم‌های آمریکا قرار می‌گیرند (تحریم‌های ثانویه) و طبیعتا هرکسی که به طور شفاف و در بورس و در هرجای دیگری نفت‌خام ایران را با هدف صادراتی خریداری کند، می‌تواند بلافاصله در فهرست افراد تحریم‌شده و تحت‌تعقیب قرار گیرد. هر نفت‌خامی دارای شناسنامه خاص خود است. نفت‌خام ایران حتی در صورت اختلاط با یک نفت‌خام دیگر کاملا قابل شناسایی بوده و پالایشگران محدود و شناخته‌شده در جهان که قادر به پالایش نفت‌خام ایران هستند، هرگز تمایل به ورود به چنین قمار خطرناکی که بی‌تردید جرائم سنگین آمریکا را برایشان در پی خواهد داشت ندارند، مگر اینکه به‌نوعی مجوز دریافت کنند که در آن صورت تفاوتی نمی‌کند نفت ایران را از کجا بخرند. خصوصا باید توجه کرد نظام حقوقی تحریم‌ها بسیار شخصی شده است؛ به این معنا که مثلا شرکتی که حتی با ایالات متحده نیز هیچ‌گونه تعامل مالی و اقتصادی نداشته باشد اگر در خلاف جهت تحریم‌های آمریکا با ایران کار کند، ممکن است مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره آن تحت تعقیب آمریکایی‌ها قرار بگیرند.

ادامه در صفحه ۱۵

گزارش «شرق» از وضعیت غیرقابل پیش‌بینی ارز مشهور ایران در گفت‌وگو با فعالان بازار

نبض تند بازار در غیاب سلطان سکه

عکس: مهر

شکوفه حبیب‌زاده: پیش‌بینی‌ای وجود ندارد، دلار هرچه افسارگسیخته‌تر پیش می‌رود. دلار ۱۱ هزار تومان؛ رقمی که فعالان بازار می‌گویند دیگر در بازار رقابتی شکل نمی‌گیرد و برخی بزرگان و خواص، دورهم برای آن قیمت تعیین می‌کنند و با عنوان «دلار دورهمی» شهره شده است. «دلار دورهمی» حتی تا ۱۱هزارو ۳۰۰ تومان نیز تا لحظه نگارش این گزارش (۱۸:۳۰) بالا کشید. عوامل متعددی برای آن برمی‌شمرند؛ اما آنچه درباره آن بیشتر هشدار داده می‌شود، کمبود عرضه در بازار است و تعیین نرخ از سوی معدودی از افراد. زمان می‌گذرد و چنان التهابی شکل گرفته که کارشناسان از پیش‌بینی هر رقمی برای آن کنار می‌کشند. از وقتی «ملا»؛ بخوانید عامل بانک مرکزی یا همان «مظلومین» دستگیر شد، بانک مرکزی کنار کشیده و عرضه‌ای در بازار نیست. فعالان بازار می‌گویند وحید مظلومی (همان سلطان سکه معروف)، هفت، هشت سالی است که به‌عنوان عامل بانک مرکزی شناخته شده و لقب «ملا» را از سوی فعالان بازار به خود گرفته است.

برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که به‌زودی با روی‌کارآمدن رئیس کل جدید بانک مرکزی و به دستور رئیس‌جمهور، دلار در بازار ثانویه تزریق خواهد شد تا کمی از این همه آشفتگی بکاهد؛ اما حاصل کار روشن نیست. در غیاب دلار پتروشیمی‌ها و بزرگان موازی‌کار دیگر در بازار، اوضاع همین خواهد بود.

سکه هم که کمتر این روزها از بازار جهانی متاثر می‌شود، با تاثر از نرخ دلار، رقمی نجومی و غیرقابل پیش‌بینی به خود گرفته و تا چهارمیلیون‌و ۶۰۰ هزار تومان پیش رفته است. هرچند در زمانی کوتاه دوباره به محدوده چهارمیلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان بازگشت؛ اما باز هم تا لحظه نگارش این گزارش، به بازه چهارمیلیون‌و ۶۰۰ هزار تومانی خود بازگشت. به گفته فعالان بازار، سکه با درنظرگرفتن مظنه هر گرم طلای خام ۳۱۸هزارتومانی، حباب یک‌میلیون‌و ۲۰۰تومانی را تجربه می‌کند. فعالان بازار از پدیده‌ای نادر در بازار سکه پرده‌برداری می‌کنند؛ فاصله حدود ۵۰۰هزارتومانی بین خریدوفروش سکه، پدیده‌ای است که به گفته آنها دلالی، سفته‌بازی و خارج‌شدن بازار از دست مردم را به پررنگی نشان می‌دهد. حالا عرصه و جولانگاه دلالان، بازارها را به ناکجاآباد سوق می‌دهد و گویی بازار از دست دولتمردان هم خارج شده است.

دلار غیرقابل پیش‌بینی شد

محسن قادری، کارشناس و فعال بازار ارز، در مواجهه با این پرسش «شرق» که چه پیش‌بینی‌ای از بازار دارد، بدون درنگ پاسخ می‌دهد: «دیگر نمی‌توان پیش‌بینی‌ای از این بازار داشت».

او می‌گوید: بارها در گذشته التماس می‌کردیم که بگذارید نرخ دلار با نرخ تورم حرکت کند. سرکوب قیمت، هرجای دنیا روی هر کالایی که باشد، به همراه حجم بالای نقدینگی، تحریم پیش‌بینی‌شده و انواع و اقسام بحران‌هایی که در جامعه وجود دارد و بی‌اعتمادی به دولت از بزرگ‌ترین آنهاست، چنین نرخ دلاری را نوید می‌دهد؛ اما نرخ منطقی دلار بر اساس عوامل پایه‌ای (فاندامنتال) این ارقام سرسام‌آور نیست.

قادری با اشاره به اینکه نرخ دلار می‌توانست در همان محدوده هفت تا هشت هزار تومان نرخ بازار باشد و حتی پیش‌بینی‌ها تا پایان این قرن در نهایت بین ۹ تا ۱۰هزار تومان پیش می‌رفت، گفت: اما حالا این ارقام، هرگونه پیش‌بینی را محال می‌کند.

او با طرح این سؤال که مگر چگونه اقتصاد یک کشور تورمی می‌شود، ادامه می‌دهد: یک‌جایی می‌رسد که کنترل اقتصاد از دست سیستم و دولت خارج می‌شود و دیگر نمی‌توان روی چیزی قیمت گذاشت. نمی‌گویم درحال‌حاضر در این وضعیت قرار داریم؛ اما اکنون در حال نزدیک‌شدن به چنین وضعیتی هستیم.

قادری با اشاره به اینکه در گذشته در بازار آتی، گاهی اوقات بیش از یک قیمت وجود نداشت؛ بیان کرد: حالا با گسترش شبکه‌های مجازی و جوسازی‌ها، عددسازی به‌وفور دیده می‌شود. وقتی عده زیادی در نشست‌های دورهمی به‌راحتی از دلار ۱۰هزارتومانی حرف می‌زنند، این رقم خود را در بازار نشان می‌دهد؛ زیرا آن‌قدر نقدینگی دارند که دلار را به این رقم برسانند.

روزی ۱۰۰ میلیون دلار به بازار تزریق می‌شود

به گفته این فعال بازار، اکنون در روز هزار میلیارد تومان نقدینگی به بازار تزریق می‌شود و با نرخ دلار ۱۰هزارتومانی، یعنی صد میلیون دلار. تورم سرکوب‌شده، بحران بی‌اعتمادی، جوسازی‌ها و عوامل دیگر نیز سبب می‌شود بازار کاملا از دست دولت خارج شود. قادری به معضل دیگری که اکنون بازار را تحت تاثیر قرار داده نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: در بحران‌های ارزی قبلی، این حجم از پول در صف خارج‌شدن از کشور وجود نداشت. ارزهای فاسد و غیرفاسدی که وجود داشت، تا این اندازه تمایل به خروج از کشور نداشت. این حجم پول را هیچ‌جای دنیا نمی‌تواند پوشش دهد. برخی خواص، حجم‌های بزرگ پول بادآورده دارند که می‌خواهند از کشور خارج کنند و نرخ دلار برای آنها اهمیتی ندارد؛ بنابراین با هر نرخی، دلار را می‌خرند. به گفته او: عوامل مختلفی وجود دارد و به همین دلیل مطمئن نیستم راه‌حلی مبنی بر معامله دلار در نرخ بازار آزاد (منهای سوبسید به کالاهای اساسی) سبب شود دلار در قیمت مشخصی به تعادل برسد.

او ادامه می‌دهد: دولت سه ماه پیش در اشتباهی دلار غیر چهارهزارو ۲۰۰تومانی را قاچاق اعلام کرد و سبب شد تا قیمت دلار، فرضا با معامله هر ۱۰هزار دلار، ۵۰ تومان افزایش پیدا کند یا سکه بین یک‌میلیون و ۲۰۰ تا یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان حباب به خود بگیرد.

به گفته او، عدم قطعیت در سیستم و تصمیم‌گیری‌های مسئولان اقتصادی به‌ویژه درباره نماد آتی سکه، سبب شد تا اعتماد به تصمیم‌گیری‌ها در بین مسئولان از بین برود.

بازرگانان در خلسه

او با بیان اینکه اکنون حجم دلار در بازار اندک است، می‌افزاید: حجم عمده دلار به دلاری که بازرگانان وارد می‌کنند، برمی‌گردد. بازرگانان یک زمان منتظر بودند تا دلار چهارهزارو ۲۰۰تومانی دریافت کنند؛ عده‌ای گرفتند و عده‌ای نگرفتند. اکنون هم ثبت سفارش متوقف شده است. درحال‌حاضر عمده دلاری که در کشور مصرف می‌شود، دلاری است که واردکننده استفاده می‌کند و اکنون این واردکنندگان در حالت خلسه هستند و منتظرند ببینند چه اتفاقی می‌افتد. هیچ فعال بازاری با دلار ۱۱هزارتومانی معامله نمی‌کند، مگر مجبور باشد.

دلار دورهمی

به گفته او قیمت‌های موجود در بازار قیمت‌های فیک نیست و گروه‌هایی که معامله دلار می‌کنند، به مقدار اندکی دلار معامله می‌کنند؛ بنابراین حالت «دورهمی» دارد و به همین شکل هم معروف است. بنابراین کسانی که مجبور به معامله هستند، باید در همین ارقام معامله کنند.

وحید مظلومی ملقب به «ملا»

قادری روایت جالبی از «ملا» بیان می‌کند و می‌گوید: فردی که اکنون باعنوان «مظلومین» از سوی سخنگوی قوه قضائیه مطرح شده است، حداقل هفت تا هشت سالی است که به‌عنوان عامل بانک مرکزی شناخته شده بود. این فرد که به نام «ملا» مشهور است، فردی در بازار بود که بررسی کردند و متوجه شدند نسبتا توانمند است و به همین دلیل به‌عنوان عامل بانک مرکزی انتخاب شد. او می‌گوید: همه گروه‌های بزرگ در بازار عامل دارند اما عامل‌های شناخته‌شده‌ای نیستند. فردی در گوشه‌ای از بازار با ماشینی متوقف می‌شود و دلار معامله می‌کند و می‌رود اما اکنون در بازار نیستند؛ زیرا دلار به بازار تزریق نمی‌شود. وجود این عاملان نیست که مشکل‌ساز است، مسئله نبود شفافیت در برخورد با این عاملان است. دلار به عامل فروخته می‌شود اما مشخص نیست این عامل چگونه با دلارها یا سکه‌های خریداری‌شده برخورد می‌کند. آیا دپو می‌کند یا می‌فروشد؟

به گفته او، با توجه به اینکه اکنون عرضه دلار در بازار غیر از نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومانی، همچنان قاچاق محسوب می‌شود، بنابراین در غیاب عاملان بانک مرکزی یا نهادهای دیگر، درحال‌حاضر بستری برای عرضه دلار وجود ندارد.

باج دولت به سوداگران

از حسین پندارو‌ند، دبیر انجمن صنعت طلا و جواهر هم درباره نرخ سکه می‌پرسم. پندارو‌ند به «شرق» می‌گوید: بازار جهانی طلا تغییر خاصی نداشت که روی نرخ سکه اثر بگذارد. نرخ سکه درحال‌حاضر حدود یک‌میلیون و ۲۰۰هزار تومان در صورت درنظرگرفتن مظنه هر گرم طلای خام ۳۱۸هزار تومانی، حباب دارد که متاثر از تلاطمات نرخ دلار در بازار است. او با بیان اینکه علت این حباب سکه، سفته‌بازی در بازار است، می‌افزاید: سرمایه‌های سرگردانی که وارد بازار می‌شود و سفته‌بازی‌ها، نرخ دلار و در ادامه سکه را تا این اندازه حبابی می‌کند.

دبیر انجمن صنعت طلا و جواهر در باب چرایی حباب‌آلودشدن سکه می‌گوید: مشکل اصلی به بانک مرکزی و سیاست‌هایی که بر ای سکه دارد، برمی‌گردد. عملکرد بانک مرکزی سبب می‌شود تا عده‌ای در بازار ورود کنند و بازار را به هم بریزند.

او با بیان اینکه بازار طلا و سکه، یک بازار موازی با بازار ارز است، می‌گوید: به همین دلیل هم بازار طلا و ارز همیشه قربانی می‌شود و مورد توجه مسئولان قرار نمی‌گیرد. آن‌قدر که مسئولان روی موضوع ارز تمرکز کرده‌اند، طلا و سکه را رها کرده‌اند.

پندارو‌ند با اشاره به عملکرد بانک مرکزی درباره پیش‌فروش سکه توضیح می‌دهد: بانک مرکزی با برنامه‌هایی که برای پیش‌فروش و تحویل سکه در پیش گرفته، به شدت مورد انتقاد است. چرا باید بانک مرکزی اصولا پیش‌فروش سکه را دنبال کند؟ مگر ذخایر کشور فقط متعلق به افرادی است که پول‌های سرگردان دارند؟ به عقیده من این عملکرد بانک مرکزی نوعی باج‌دادن به افرادی است که بازار را ملتهب می‌کنند تا آنها را آرام کند. اما بانک مرکزی با چه اختیاری، ذخایر کشور را در قالب سکه ضرب‌شده در اختیار این سوداگران قرار می‌دهد؟

اتفاقی نادر در بازار سکه

او در لابه‌لای کلام خود به یک اتفاق نادر و بدون سابقه در بازار سکه اشاره کرده و می‌گوید: سکه تمام‌بهار آزادی، چهارمیلیون و ۵۰۰هزار تومان به فروش می‌رسد و چهارمیلیون خریداری می‌شود. این فاصله، نماینده سفته‌بازی و دلالی در بازار است و نشان می‌دهد که مردم نیستند که دست به این معالات می‌زنند، زیرا به‌صورت نرمال، بین ۵۰ تا صد هزار تومان بین خریدوفروش سکه فاصله وجود داشت.

«شرق» از گرانی‌های تیرماه از نگاه ۲ دستگاه آماری گزارش می‌دهد

بی‌حسی نماگرها در برابر گرانی

شرق: ضرباهنگ قیمت کالاها تندتر از همیشه به صدا درآمده، از خوراکی‌ها تا مسکن و خدمات مصرفی همه با موج افزایش قیمتی روبه‌رو بوده‌اند و تورم تک‌رقمی که بعد از ۲۶ سال در سال ۹۵ در اقتصاد ایران اتفاق افتاد، برای اقتصاد امروز ایران تصویر دوری است. مرکز آمار نرخ تورم تیرماه را همچنان تک‌رقمی اعلام کرده، اما این نرخ‌های اعلامی مورد تأیید بسیاری از کارشناسان اقتصادی نیست و با توجه به شیب افزایش قیمت‌ها این اعداد را غیرواقعی می‌دانند. آشفتگی بهای کالاها و خدمات مصرفی را می‌توان در اختلافات آماری دو مرجع آماری که یادآور اواسط دهه ۸۰ است نیز مشاهده کرد. درحالی‌که فاصله آماری بین بانک مرکزی و مرکز آمار در دو سال گذشته به کمترین حد خود رسیده بود، در آخرین نرخ تورم اعلامی این دو نهاد، اختلاف زیادی مشاهده می‌شود. درحالی‌که بانک مرکزی نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه (ماه اخیر نسبت به ماه مشابه سال گذشته) تیرماه سال جاری را ۱۸ درصد اعلام کرده، مرکز آمار عدد ۱۳.۸ درصد را برای آن ثبت کرده و نرخ تورم ۱۲ماهه منتهی به تیرماه در محاسبات بانک مرکزی ۱۰.۲ درصد و در اطلاعات مرکز آمار همچنان تک‌رقمی است؛ ۸.۷ درصد. بسیاری از کارشناسان معتقدند حتی اگر آمار و ارقام تورم دست‌کاری هم نشده باشد، برای مردم باورپذیر نیستند، اما در همین آمارهای اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی به‌عنوان نهاد مورد قبول مجامع بین‌المللی، می‌توان تا حدی چگونگی وضعیت اقتصادی در ماه‌های اخیر را جست‌وجو کرد. تورم نقطه‌به‌نقطه تیرماه به ۱۸ درصد رسیده و در این میان بیشترین نرخ تورم مربوط به دخانیات است که نسبت به ماه پیش ۷۲.۴ درصد افزایش داشته و هزینه‌های خوراکی نسبت به خرداد ۲۵ درصد افزایش را تجربه کرده است. نرخ تورم به معنای شیب افزایش قیمت‌ها و نه درصد گرانی است، اما نرخ‌های اعلامی با روند افزایش قیمت‌ها در بازار هم‌خوانی ندارد؛ همچنان که نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه مسکن ۱۰.۹ درصد اعلام شده، اما قیمت‌ها در بازار مسکن به گفته رئیس اتحادیه املاک‌داران حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد بالا رفته است.

آمارها دست‌کاری می‌شود؟

به گزارش «شرق»، بعد از افزایش نرخ ارز در ماه‌های اخیر و متوقف‌نشدن سیر صعودی آن، قیمت کالاها و خدمات مصرفی نیز هم‌زمان با نرخ ارز رو به فزونی رفت؛ افزایش قیمتی که گرچه گفته می‌شد به شکل روان و با حباب همراه است، اما بعد از گذشت حدود پنج ماه از آغاز این سیر، کمتر کسی به کاهش آن امیدوار است. دولت در این بازه زمانی تلاش کرد با سیاست‌های ارزی و ایجاد یک پوشش حمایتی برای واردات کالاهای حیاتی و تخصیص ارز دولتی ترمز افزایش قیمت‌ها را بکشد، اما بعد از انتشار فهرست‌های ارزی و فسادهای رخ‌داده و همچنین عرضه کالاهای وارداتی با ارز دولتی و فروش آن به قیمت آزاد، ملاحظه شد که این تصمیم‌ها روی کنترل قیمت‌ها اثر زیادی نداشته است؛ اما اتفاقات اقتصادی اخیر در آیینه آمارها به‌شدت واقعیت بیرون تجلی نیافته، نرخ تورم مرکز آمار تک‌رقمی است و بانک مرکزی این نرخ را برای تیرماه ۱۰.۲ درصد اعلام کرده است. اکنون دو سؤال محوری در رسانه‌ها و میان اقتصاددانان بیش از هر زمانی پررنگ شده است: «آیا مراجع آماری در محاسبات خود تغییری ایجاد کرده‌اند؟ و آیا آمارها دست‌کاری می‌شود؟». شاید پاسخ به این سؤال‌ها باتوجه به مدل محاسباتی و نرم‌افزارهای آماری به این سادگی نباشد، اما چندین احتمال وجود دارد؛ ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی به نفع کالاهایی که با افزایش قیمت کمتری روبه‌رو بوده‌اند، تغییر کرده، نمونه‌های کالایی متفاوت شده یا در آمارگیری پرسشگران با توجه به تفاوت قیمتی ماه‌های اخیر در فروشگاه‌ها احتمال خطا بالا رفته باشد. ایوب فرامرزی، معاون پژوهشی پژوهشکده آمار، احتمال دست‌کاری آماری را بسیار اندک می‌داند و معتقد است حتی اگر مرجع آماری بخواهد به نفع بهترنشان‌دادن وضعیت اقتصادی کشور، آمارها را غیرواقعی اعلام کند، سری‌های زمانی به هم می‌ریزد و در ماه‌های آتی از لحاظ نرم‌افزاری به مشکل برمی‌خورند یا آمارها بسیار بیشتر از آنچه هستند، بروز پیدا می‌کنند یا بسیار کمتر. او در گفت‌وگو با «شرق» درباره اختلاف آماری میان بانک مرکزی و مرکز آمار توضیح داد: سه روش میانگین‌گیری قیمت‌ها در علم آمار وجود دارد؛ هندسی، حسابی و هارمونیک. مرکز آمار سال‌هاست از روش هندسی استفاده می‌کند و بانک مرکزی گرچه به‌صورت شفاف روش خود را تاکنون اعلام نکرده، اما به نظر می‌رسد از روش حسابی بهره می‌گیرد. تا زمانی که نوسان قیمت‌ها اندک باشد، نتایج محاسباتی این دو روش به هم نزدیک است، اما به‌محض آنکه قیمت‌ها دچار نوسان چشمگیری می‌شوند، اختلاف آماری میان این دو مرجع بسیار زیاد می‌شود، همچنان که در نرخ تورم اعلامی این دو نهاد برای تیرماه اختلاف حدود چهار تا پنج درصدی را مشاهده می‌کنیم.

اعتبار از دست رفته

فرامرزی در توضیح نرخ تورم تک‌رقمی اعلامی از سوی مرکز آمار گفت: یک واقعیت را باید به‌صراحت پذیرفت، نرخ تورم در حال افزایش است و دستاورد دولت یازدهم درباره تورم تک‌رقمی دیگر اعتباری ندارد. مرکز آمار نرخ تورم ۱۲ ماه منتهی به تیرماه را حدود ۸.۴ درصد اعلام کرده، اما نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه حدود ۱۳.۸ درصدی تیرماه نشان می‌دهد نرخ تورم کل تا پایان سال در همین محاسبات مرکز آمار هم به کانال دو رقمی رفته و احتمالا به ۱۵ درصد خواهد رسید. به گفته فرامرزی قوی‌ترین احتمال در توضیح اختلاف نرخ‌های اعلامی با نرخ افزایش قیمت‌ها در بازار این است که تورم متوسط قیمت تمامی کالاهای مصرفی خانوارها به‌طور روزانه است و در این میان کالاهایی مانند آرد، گندم و بنزین افزایش قیمت چندانی نداشته و در مقابل کالاهایی مانند خوراکی‌ها و دخانیات و مسکن به‌شدت افزایش یافته و آنچه به‌عنوان نرخ تورم اعلام می‌شود، میانگینی از همه آنهاست. مرکز آمار در کنار نرخ تورم، بهای افزایش قیمت کالاها و خدمات مصرفی به تفکیک دهک‌ها را نیز اعلام کرده، فارغ از صحت و سقم محاسباتی این آمار، شرایط قیمت‌ها در میان دهک‌ها نشان می‌دهد در تیرماه گرانی خوراکی‌ها بیشترین فشار را به دهک‌های پایین درآمدی وارد کرده است.

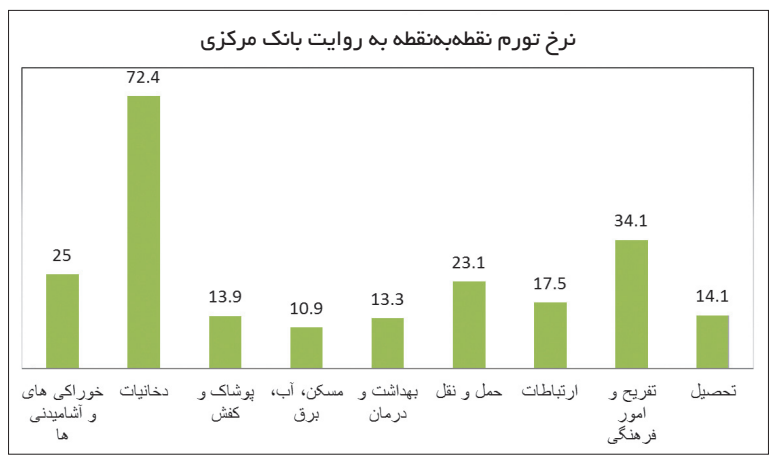

خبر

محسنی‌اژه‌ای اعلام کرد:

تکذیب خبر برخی رسانه‌ها

● در پی مصاحبه دیروز حجت‌الاسلام‌والمسلمین اژه‌ای در حاشیه نشست دادستانی تهران درخصوص برخورد قضائی با تخلفات اخیر بازار، یکی از رسانه‌ها به‌اشتباه دریافت‌کننده ارز از بانک مرکزی را «سلطان سکه» ذکر کرده بود که صحیح نیست.به گزارش میزان، در مصاحبه روز گذشته حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، معاون اول قوه قضائیه، در حاشیه نشست دادستانی تهران درخصوص برخورد قضائی با تخلفات اخیر بازار، موضوع پرداخت ۱۵۹میلیون‌و۸۰۰ هزار دلار و ۵۱ میلیون یورو ارز از سوی بانک مرکزی به فردی خارج از سیستم بانکی و صرافی مطرح شد که یکی از رسانه‌ها به‌اشتباه دریافت‌کننده این مبالغ را «سلطان سکه» ذکر کرد که صحیح نیست.برخی روزنامه‌های امروز و همین‌طور یک برنامه طنز تلویزیونی نیز به دنبال اشتباه این رسانه نقل قول از ایشان را به صورت غیرصحیح منتقل کردند که انتظار می‌رود مطلب غیرصحیح عنوان‌شده اصلاح شود.قابل توجه است که نه در سؤال خبرنگار در این مورد و نه در توضیح سخنگوی قوه قضائیه در این زمینه، نامی از «سلطان سکه» به میان نیامده است.متن صحیح پرسش و پاسخ یادشده این است «معاون اول دستگاه قضا در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا پاسخ سؤالات شما در بحث اختلالات ارز از وزارت اطلاعات و بانک مرکزی داده شده، گفت: درخصوص نامه‌ای که امروز به دست من رسید، در مورد ارزهایی که به افرادی غیر از صرافی‌های مجاز یا غیر از سیستم بانک‌ها و به عوامل شخصی و حقیقی بدون داشتن مجوز صرافی داده شده بود، گزارش دادند و گفتند در این مقطع زمانی به این فرد ۱۵۹میلیون‌و ۸۰۰ هزار دلار و اگر اشتباه نکنم ۵۱ میلیون یورو داده‌اند».

واردات بیش از ۱۰۰ هزار گوشی تلفن همراه به نام یک متوفی

● به گزارش ایلنا، جعفری‌دولت‌آبادی دادستان تهران اعلام کرد: ۱۰هزارو ۵۰۰ گوشی تلفن همراه به نام فردی که در قید حیات نبود، به کشور وارد شده است. برخی شرکت‌کننده‌های واردکننده گوشی با تهیه فاکتورهای صوری و جعلی این کالاها را در بازار آزاد فروخته‌اند.او در نهمین جلسه دادستانی تهران با حضور معاونان و سرپرستان نواحی دادسرای تهران و تعدادی از قضات این دادسرا گفت: ثبت‌نام هفت‌میلیون‌و ۶۰۰ هزار سکه طلا توسط بانک‌ها انجام شده است و ۷۰ نفر تا دو هزار سکه خریداری کرده‌اند.به گفته جعفری‌دولت‌آبادی در دوره زمانی ۱۰روزه اول که سامانه ثبت سفارش به جای مسدودشدن همچنان باز مانده، ۳۴ هزار سفارش ثبت می‌شود و در بازه زمانی چهارروزه دوم نیز همین اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که برخی از متهمان که روز چهارشنبه (۹۷/۵/۳۱) در دادستانی حضور یافته و از آنها تحقیق شد، اقرار دارند که تا ۲۷ تیر ماه سال ۹۶ یعنی سه روز پس از توقف اعلامی توسط وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت، برخی افراد و شرکت‌ها در حال ثبت سفارش واردات خودرو به کشور بوده‌اند.

مذاکراتم با رئیس‌جمهوری آن چیزی نیست که منتشر شد

● وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه «به سهم خود از هیچ کمک فکری و در صورت لزوم و نیاز، همکاری با دولت دریغ نخواهم کرد»، گفت: «متأسفانه در روزهای اخیر خبرهایی از مذاکراتم با رئیس‌جمهوری در برخی رسانه‌ها منتشر شده که اغلب خلاف واقع بوده و با واقعیت فاصله دارد». «علی طیب‌نیا» روز یکشنبه در گفت‌وگو با ایرنا درباره گمانه‌زنی برخی رسانه‌ها از بازگشت او به بدنه دولت اظهار کرد: «به نظر می‌رسد آنچه در شرایط خطیر کنونی اهمیت دارد، حمایت و پشتیبانی کامل از رئیس‌جمهوری، دولت و به‌ویژه تیم اقتصادی ایشان است تا بتوانند با طراحی و اجرای سیاست‌های مناسب به مواجهه کارآمد با تحریم‌های نامشروع و تحمیلی آمریکا بپردازند؛ تحریم‌هایی که با وجود دشمنان هوشمندانه طراحی شده است و مقابله با آن نیز هوشمندی مضاعفی را می‌طلبد». طیب‌نیا تأکید کرد: در این شرایط نباید اجازه داد انتشار چنین اخبار تحریف‌شده‌ای سبب بروز خلل و سستی در پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های دولت خدمتگزار شود. وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی اظهار کرد: «به‌عنوان یک شهروند از همه اصحاب رسانه و فعالان اقتصادی و کارشناسان دلسوزی که دل در گرو ایران و سرافرازی آن دارند، خاضعانه می‌خواهم با همه توان در این مسیر گام برداشته و انرژی خویش را مصروف حاشیه‌سازی‌ها نکنند». طیب‌نیا تصریح کرد: «من نیز به سهم خود از هیچ کمک فکری و در صورت لزوم و نیاز، همکاری با دولت تدبیر و امید دریغ نخواهم کرد تا به فضل الهی و همفکری همه صاحب‌نظران و کارشناسان خبره و همراهی آحاد ملت، کشور عزیزمان از این گردنه حساس نیز با سربلندی و سرافرازی عبور کند».